گزیده گزارش نظارتی بر تیپ عاشورا*

در عملیات رمضان

اشاره

دفتر برنامه ریزی، نظارت و ارزشیابی ستاد مرکزی سپاه در چهارچوب وظایف اصلی خویش در هنگام عملیات، کارشناسان خود را به یگان های مختلف سپاه اعزام کرده و گزارش نظارتی خود را در اختیار فرماندهی کل سپاه قرار می داد. گزارش های تهیه شده کلی بوده و کمتر از بعد تخصصی به جزئیات مسائل می پرداخت اما برای محققان علاقه مند به آگاهی از فضای یگان ها در هنگام عملیات، منبع ارزشمندی محسوب می شوند. آنچه که باید در هنگام مطالعه گزارش ها بدان توجه داشت این نکته است که ارزیابی ها و قضاوت های تهیه کننده گزارش در مورد واحد و یگان مورد نظر، صرفاً دیدگاههای فردی کارشناس مربوطه بوده و نمی توان آن را تمام حقیقت تلقی کرد. زیرا ممکن است در تهیه چنین گزارش هایی زاویه و وسعت دید تهیه کننده آن همه جانبه نبوده باشد با این وجود، چنین گزارش هایی برای مورخین و پژوهشگران منبعی بکر و دست اول است زیرا بدون واسطه، روایت یک راوی را مطالعه می کنند که اکثر مواقع بدون هیچ گونه حب و بغض و صرفاً برای اصلاح و بهبود روندهای سازمانی به روایت آنچه که بالعینه دیده پرداخته است. در این شماره گزارش نظارتی تیپ ۳۱ عاشورا در عملیات رمضان تقدیم خوانندگان گرامی می شود. لازم به توضیح است جهت رعایت اختصار، به درج گزیده‌ای از سند ۴۵ صفحه‌ای مذکور اکتفا شده است. علاقه مندان، متن کامل آن را می توانند در بانک اطلاعاتی مرکز اسناد دفاع مقدس مطالعه نمایند. نکته پایانی اینکه بسیاری از افرادی که نامشان در این گزارش آمده احتمالاً در طول دوران دفاع مقدس به فیض عظمای شهادت نایل شده باشند و بدیهی است ذکر برخی نواقص و اشکالات در عملکرد آنها به هیچ وجه به معنای تضعیف ارزش ها و جایگاه شامخ آنها نمی باشد.

۱) معرفی تیپ

نیروهای رزمنده منطقه (آذربایجان) از اوایل انقلاب در منطقه آذربایجان غربی و کردستان با کفار و گروهک های معلوم الحال در ستیز بودند و از آغاز جنگ تعدادی از نیروهایش را به جنوب می فرستادند که به صورت های مختلف (بسیج، نامنظم و غیره) و بعد از مدتی به صورت گردان نیرو در جنوب و در مکان های مختلفی از آن نیروها استفاده می شد. از عملیات طریق القدس به این طرف نیروهای منطقه در یک یا دو گردان منسجم شدند و به عملیات پرداختند. تا آنکه از سوی همین نیروها که در منطقه

* دفتر نظارت و ارزشیابی قرارگاه کربلا ۱۳۶۱/۶/۱

بیشتر متراکم بودند، تیپ عاشورا که از قدیمی ترین تیپ ها بود، تشکیل شد که عمده نیروی آن از منطقه پنج بود اما نیروی کادرش از سپاه سوسنگرد بود تا آنکه بعد از پایان عملیات بیت المقدس قرار شد که تیپ عاشورا را منطقه پنج تحویل بگیرد. در نتیجه، بعد از عملیات بیت المقدس رسماً این تیپ تحویل منطقه پنج گردید و این منطقه هم مامور شد که کلیه کادرها و نیروهای آن را تأمین کند. این دوره عملیات (رمضان) اولین تجربه این تیپ و اولین تجربه منطقه پنج است.

۲) فرماندهی

۱-۲) سابقه و عملکرد

فرمانده تیپ عاشورا برادر مهدی باکری است. ایشان مدتی شهردار ارومیه بود، بعد فرانده عملیات سپاه ارومیه شد... در جریانات درگیری های آذربایجان غربی هم ایشان فعالیت هایی داشت و بر اثر مسائلی که اینجا جای بحث آن نیست نتوانست در آنجا بماند؛ لذا خود را به منطقه هشت منتقل کرد، در حالی که هنوز پرونده پرسنلی اش در منطقه پنج باقی مانده و انتقال پیدا نکرده بود. خانواده او نیز در اهواز سکنی گزیدند. گفته شده قبل از انقلاب ایشان مدتی درفلسطین بوده و با نیروهای فلسطینی تجربه نظامی اندوخته بود... در منطقه جنوب هم ایشان سابقه عملیاتی داشت و در عملیات بیت المقدس، معاون تیپ نجف اشرف بود. مدتی هم مسئولیت طرح و برنامه عملیات آن تیپ را به عهده داشت که بعداً زخمی شده و به بیمارستان منتقل می گردد. بعد از اینکه تیپ عاشورا تحویل منطقه پنج شد، ابتدا قرار بود برادر مرتضی یاغچیان را به عنوان فرمانده تیپ معرفی کنند که به علت عدم تجربه کافی در این شرایط و اینکه ایشان در یک سال اخیر در منطقه نبودند برادر مهدی باکری فرمانده تیپ شد که بعد از بهبودی به منطقه آمد و مسئولیت فرماندهی تیپ را به عهده گرفت.

برادر باکری از لحاظ خصوصیات اخلاقی یک فرد محجوب، با معنویت، با تقوا، خوش برخورد، بی پیرایه، کم حرف به نظر می آمد. نقش ایشان در تیپ به عنوان مسئول تیپ کاملاً آشکار بود و در نزد نیروها و نیز کادرها احترام خاصی داشت و در بین آنها فرد محبوبی به حساب می آمد.

ایشان به عنوان مسئول تیپ و کسی که باید در کل امورات نظارت داشته باشد، بیشتر موارد به واحدهایی که در ارتباط با عملیات نقش دارند، توجه داشت و این امر می تواند ناشی از کمبود وقت و کار و فعالیت زیاد باشد. چرا که او اعتقاد زیادی به نیروهای پشتیبانی به ویژه امور تبلیغات و آموزش دارد و نقش آنها را بسیار موثر در تیپ و در عملیات و در ساختن نیروها می داند.

نسبت به تشکیلات هم به لحاظ دور بودن از ستاد و درگیری با مسائل عملیاتی و گرفتاری در این مسائل باعث شده که آن چنان که باید و شاید به تشکیلات و جاانداختن آن در تیپ تا به حال بها ندهد هر چند که علاقه دارد جلسات تشکیل شود و مسائل مطرح بشود.

عملکرد ایشان چه قبل از عملیات که مواجه با تغییر و تحولات و جاانداختن خودش در تیپ بود و تغییر یک سری کادرها (کادرهای عملیاتی مثل فرمانده گردان)، شرکت در جلسات لشکر و توجیه به منطقه و نکاتی که باید تیپ عاشورا عمل می کرد همچون سعی و تلاش در

شناسایی آن منطقه و آماده کردن نیروها در کل خوب بود. در حین عملیات سرگرم کار عملیاتی و توجیه گردان ها و پیش رفتن آنها و کارهای دیگر در این رابطه بوده و چون دور و برش شلوغ بود، زیاد تسلط به اطرافش نداشت اما به امورات را رسیدگی می کرد.

ایشان قدرت آینده نگری نسبت به آینده و بهتر شدن تیپ داشت و در همین اواخر با اعضای شورای منطقه چندین جلسه داشته و نظریاتش را در آن جلسات ارائه داده است.

۲-۲) ضعف، قوت، پیشنهاد

ضعف ها: - حضور کم در میان نیروها به طوری که نیروها نسبت به فرمانده آشنا باشند و روحیه آنها تقویت بشود. هم اینکه ایشان با سخنرانی و توجیه نیروها آنها را بهتر برای عملیات آماده سازد و فرماندهی هم در میان نیروها جا بیفتد.

- ضعف در برخورد معتدل با نیروها: در دو سه مورد، ولو که خواسته این نیروها ناحق بود اما با برخورد صحیح و ارجاع آنها به واحد مربوطه می شد از برخوردهای ضعیف که در نیروها مؤثر است جلوگیری کرد (دو سه مورد مساله مرخصی و یا تسویه حساب بود که تا سطح فرماندهی پیش رفت).

- ضعف در رعایت تشکیلات و توجیه نکردن واحدها به کارهای مربوط به خود، به طوری که هر کاری به مسئول و فرمانده تیپ ارجاع نشود که این امر توامان ضعف واحدهای مربوطه و ضعف نظارت فرماندهی را می رساند.

- در دو عملیاتی که تیپ عاشورا داشت دو بار فرماندهی با جیپ به جلو می رود که بار دوم تیری به بالای سینه اش اصابت می کند و جراحت برمی دارد با آنکه در خط، مسئول خط باتجربه داشت در حالی که با حضور ایشان در خط هیچ تغییر خاصی اتفاق نیفتاد و نقشی در آنجا ایفا نشد. ضمن اینکه ارزش فرمانده تیپی همچون برادر باکری خیلی بالاتر از اینهاست و باید به حفظ خود بیشتر توجه داشته باشد.

- در حین عملیات دوم وقتی که جلو می رود و کارها از پیش نمی رود، خونسردی خود را از دست می دهد.

- ضعف معاونت ایشان، اگر ایشان غائب بودند معاون وی قدرت چندانی برای هدایت یک عملیات را نداشت و این موضوع را برادر باکری نیز اذعان داشته و می گفتند فعلاً ایشان می خواهند در کنار فرماندهی تجربه کسب کنند و از روز اول تاکنون رشد داشته است.

- ضعف افرادی که کشش بعضی از مسئولیت ها را نداشتند و با این حال با فرماندهی کار می کردند و ایشان نیز مقاومتی در مقابل انتخاب و یا عزل آنها نداشت.

- ضعف فرماندهی در مقابل اطلاعات - عملیات و ضعف در حل صحیح مسائل مربوط به اطلاعات عملیات که در قسمت شرح اطلاعات عملیات خواهد آمد.

قوت: - اتکای زیاد فرماندهی به نیروی غیب؛

- توجه به فرایض؛

- رعایت تقوا و پرهیز از طرح اختلافات از ترس اینکه در موضع غیبت بیفتند و عدم طرح مشکلات و اعتقاد به این مسئله که به رغم اینکه این مشکلات وجود دارد، با این حال کارها پیش می رود؛

- تلاش و پرکاری فرمانده؛

- خونسردی و کنترل روحیه در برخورد با مسائل؛

پیشنهاد: -به لحاظ اینکه موقعیت فرماندهی در حال حاضر جا افتاده لذا [این پیشنهادات مطرح می شود]:

- حفظ فرماندهی تیپ برای آینده و عدم تغییر فرماندهی در وضعیت کنونی؛

- توجیه بیشتر فرماندهی در ارتباط با تشکیلات و سعی زیاد در انتخاب کادرهای با تجربه و کارا و مومن و به دور بودن از مسائل ناسیونالیستی برای واحدهای تیپ به طوری که فرماندهی با فراغ بال از مسائل پشتیبانی و ستاد تیپ، به وظایف اصلی خود بپردازد؛

- ارتباط بیشتر منطقه با تیپ و در جریان قرار گرفتن منطقه از مشکلات تیپ و به نوبه خود ارتباط تیپ با منطقه؛

- تعیین و تثبیت قائم مقامی که فرماندهی بتواند در جمیع ابعاد فرماندهی به او اتکا کند.

۳) واحد طرح و برنامه

۳-۱) سابقه و عملکرد

برادر علی تجلائی مسئول این واحد و برادر ناصر امینی معاون واحد طرح و برنامه عملیات تیپ عاشورا هستند.

برادر تجلائی از بدو آمدن به سپاه، در آموزش سپاه تبریز بود و به مدت یک ماه مسئول عملیات سپاه بود. قبل از جنگ عراق علیه ایران به مدت شش ماه به افغانستان رفته بود و در اوائل شروع جنگ از آنجا که به جبهه آمد، مسئولیت نیروهای اعزامی تبریز را بر عهده داشت. سپس معاون

عملیات سوسنگرد شد. وی در جریان محاصره سوسنگرد مسئول عملیات بود که زخمی شد، و در تهران مدتی در ستاد مرکزی با گردان های رزمی کار کرد(پادگان امام علی(ع) به مدت ۳ ماه بعد).پس از آن در آموزش سپاه تبریز مسئول بخش اعزام نیرو شد و قرار شده بود وی مسئول بخش نظامی آموزش منطقه ۵شود که او را برای منطقه جنگی می خواهند که مسئولیت ۲ گردان را عهده دار می گردد و در عملیات فتح المبین مسئولیت ۳ گردان به او سپرده می شود. در عملیات فتح المبین و بیت المقدس به عنوان معاون تیپ عاشورا منصوب می شود... و بعد از تشکیل تیپ عاشورا به عنوان مسئول طرح و برنامه فعالیت می کند.

واحد طرح و برنامه جزء اولین واحدهایی بود که در این تیپ شکل گرفت و جای خودش را پیدا کرد که به علت تجربه زیاد مسئول واحد و توجیه بودن او به کارها و جذب نیروهای با کیفیت واحد بوده است. با توجه به اینکه این واحد در کل تیپ ها و لشکرها هنوز شکل خاص خود را پیدا نکرده با این حال طرح و برنامه، این تیپ در این مدت پرکار بوده است.

مسئول واحد کمک حال فرماندهی هم بود و در توجیه گردان ها و گروهان ها در واحدها نقش اول را داشت. کارایی او در سطح بالایی است و او خود را بیکار می بیند و انتظار دارد، بیش از اینها فعالیت بکند.

۳-۲) تشکیلات

تا قبل از ارائه و ابلاغ شرح وظایف، تقسیمات این واحد به این شکل بوده که یک مسئول و یک معاون داشت و ۳ نفر نیروی کیفی خوب هم در امورات واحدها، تهیه کالک، طرح آتش های پشتیبانی و دبیرخانه و بایگانی داخلی تیپ مشغول بودند. در حال حاضر به این تعداد ۲ نفر دیگر نیز اضافه شده است.

همان طور که اشاره شد این تشکیلات در سطح تیپ در مقایسه با سایر تیپ ها و حتی لشکرها، رشد این واحد را می رساند. قبل از اینکه تشکیلات به این شکل باشد دبیرخانه، توجیه مانور و شرکت در جلسات بر عهده مسئول واحد بود، در ضمن دبیرخانه طرح و مانور دیگران را نیروهای کمکی با مشورت مسئول واحد انجام می دادند.

۳-۳) ارتباطات

این واحد در ارتباط داخلی اش با فرمانده تیپ رابطه داشت که مسئول این واحد از مشاوران فرمانده تیپ نیز محسوب می شد و رابطه اش صمیمانه بود و حتی گاهی کارهایی که ربطی به طرح و برنامه نداشت مثل کار پیک و دیگر امورات را هم برای رفع نیاز انجام می داد.

رابطه این واحد با اطلاعات عملیات کم و بیش برقرار بود. در اوایل که اطلاعات عملیات نسبتاً فعالیت داشت، رابطه خوب بود بعداً این واحد چندان کاری انجام نمی داد.

امّا واحدهای دیگر ستادی و عملیاتی(گردانها)ارتباط به صورت توجیه مسئول طرح و برنامه در جلسات بود. ارتباط با لشکر خوب بود و مسئول واحد در جلسات طرح و مانور لشکر شرکت داشت و از طرف مسئول طرح و برنامه لشکر هم بر روی ایشان حساب می شود. ارتباط واحد طرح و برنامه با منطقه کمتر بود و ارتباط چندانی پیش نمی آمد.

۳-۴) عملکرد واحد

در کل عملکرد واحد در روند شکل گیری تیپ و نیز کمک به تیپ برای عملیات خوب بود. تیپ از ابتدا طرح و برنامه قوی در مسائل نظامی و طرح های مانور، برای توجیه مانور و طرح آرایش گردان ها مبتنی بر استعداد و شناخت گردان داشت. این واحد از لحاظ تهیه و ابلاغ کالک های عملیاتی، توجیه مانور گردان ها و واحدها، کمک به فرماندهی در حین عملیات، مشورت با او در امورات مختلف تیپ، خوب و قوی بود و ناهماهنگی هم به چشم نمی خورد و این واحد در حد خودش از فعال ترین و بهترین واحدهای این تیپ بوده است که کمتر نقصی در آن دیده می شد که به دلیل حضور نیروی کیفی، کارا، مومن، معتقد و با خلوص در آن واحد بود.

این واحد در پیش بینی روند آینده تیپ موثراست و نظرات مفیدی در بهتر و فعال تر کردن تیپ دارد که عمده نظرات آن بر روی جذب نیرو و برخورد صحیح با آنها، کادرسازی مخصوصاً در رده فرمانده گردان برای تیپ و جا انداختن تشکیلات و ضابطه در تیپ دور می زند.

این واحد جدا از اتمام عملیات یک دوره کلاس برای فرمانده گردان ها گذاشت که به کلاس های دوره فرماندهی معروف است که مطالب آن کلاس به شرح زیر است:

مباحثی درباره سازمان و وظایف فرماندهان، آرایشات مختلف رزمی، اصول تکنیکی تک، مسائل تاکتیکی اصولی که باید یک فرمانده بداند، تحلیل و چگونگی تحلیل عملیات، و نیز برای معاونان گردان ها و فرمانده و معاونین گروهها جداگانه کلاس گذاشته شد و برای فرمانده دسته ها نیز کلاس جداگانه دیگری گذاشته شد.

۵-۳) ضعف، قوت، پیشنهاد

ضعف: -در حال حاضر نکات ضعفی که قابل پیگیری و طرح آن باشد در این واحد مشهود نیست.

قوت: - ایمان و تقوای قوی مسئول واحد و اخلاص نیروهای این واحد؛

- کارایی نسبتاً خوب نیروهای این واحد؛

-توجیه بودن مسئول واحد و سایر نیروهای واحد به کارشان؛

- قدرت تفکر و استقلال فکری مسئول واحد در مورد عملیات و تحلیل عملیات ها.

پیشنهاد: - توجه بیشتری از طرف مسئولین تیپ و منطقه به نیروهای این واحد و نظرات آنها بشود.

- کارائی مسئول واحد طرح و برنامه تیپ بیش از این است و می تواند در سطح لشکر و یا بالاتر فعالیت بکند و نیز می تواند از عهده اداره یک تیپ به خوبی برآید.

-استفاده تیپ و لشکر از نیروهای این واحد برای آموزش و توجیه نیروها.

۴) واحد اطلاعات - عملیات

۴-۱) سابقه و عملکرد

مسئول این واحد برادر مقصود شجاعی فر بودند قبل از این سمت، ایشان مسئول مخابرات مراغه بودند و برای اولین بار به جبهه آمده است که از طرف مسئولین تیپ و منطقه به این سمت انتخاب شده است. ایشان پس از اینکه به واحد آمدند، نتوانستند نقش مسئول واحد را ایفا کنند و برخوردهایی پیش آمد که علت آن عدم آشنایی وی به اطلاعات -عملیات بود و در عوض نیروهای موجود در این واحد قبلاً سابقه کاری داشتند. بعد از مدتی ایشان را به لشکر فرستادند تا در واحد اطلاعات - عملیات لشکر کسب تجربه کند و مدتی اطلاعات - عملیات، مسئول مستقیم نداشت و معاون اطلاعات -عملیات به نام برادر حیدری که طلبه بود، کارها را اداره می کرد و بعد از آن برادر مرتضی یاغچیان (معاون تیپ) از طرف تیپ مامور شد که سرپرستی اطلاعات - عملیات را به عهده بگیرد و در آن مدتی که دو مسئول داشت بین برادر مرتضی و برادر حیدری (به عنوان معاونت) هماهنگی برقرار نبود تا آنکه برادر حیدری مجروح می شود و از موقع عملیات اول تیپ که در منطقه زید بود اواخر عملیات، مسئولیت واحد بر عهده برادر مرتضی یاغچیان بود و بعد از عملیات برادر شجاعی فر از لشکر آمدند و در تیپ به عنوان مسئول حضور دارند. به لحاظ اینکه ایشان از ابتدا به لشکر رفته بود، لذا عملکرد او نیز قابل ارزیابی نیست و برادر یاغچیان در غیاب ایشان مسئول اطلاعات -عملیات بود که باز ایشان هم نتوانست از حل مسائل و مشکلات این امر برآید و با این واحد کاملاً هماهنگ باشد و یا آنها با ایشان هماهنگ شوند. برادر یاغچیان به شکل فرمان و دستور در اطلاعات - عملیات نقش داشت نه به صورت یک مسئول واحدی که با نیروها بجوشد و با آنها کار بکند و خودش از واحد کاملاً اطلاع داشته باشد و بعضاً از دستورات ایشان سرپیچی می شد و یا انتظارات ایشان برآورده نمی شد.

۴-۲) تشکیلات - تقسیمات

در ابتدا نیروهای این واحد ۱۲نفر بودند که به دو دسته ۴ نفره تقسیم شده بود که هر دسته یک مسئول داشت، که در دو محور که راه کار این تیپ بوده است برای شناسایی انتخاب شدند که مسئول گروه شناسایی با برادر حیدری معاون واحد بود و اساس کار این واحد تنها شناسایی بود، تیم دیدبانی هم خط داشت و نیز پیک، بازجو و پست شنود در سطح تیپ نبود... تشکیلات این واحد هم دارای انسجام و نظم دقیق نبود ... .

۴-۳) استنباطات

رابطه این واحد با فرماندهی با توجه به اینکه معاون فرماندهی مسئول قبلی این واحد بود بنابراین ارتباط در حد اختیارات تام و دخالت در امور آن بود... ارتباط این واحد با طرح و برنامه عملیات به علت وضعیت خاص این واحد، ضعیف و ناهماهنگ بود. ارتباط این واحد با لشکر به صورت مامور بودن مسئول واحد (برادر شجاعی فر در لشکر) در لشکر و نیز با تشکیل جلسات و شرکت برادر مرتضی یاغچیان برقرار بود.

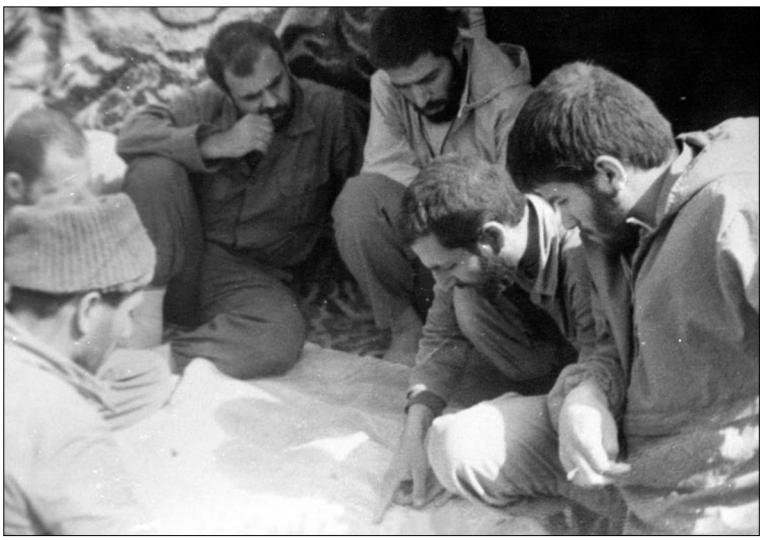

۴-۴) عملکرد واحد

[ابتدا قرار بود که این تیپ در محور شلمچه و پشت کانال بزرگ ماهی گیری و حدفاصل پادگان عمل بکند که در آنجا قرار بود ۳ راه کار، شناسایی بشود که به علت انداختن آب در محور بوبیان یک راه کار بسته شد و ۲ راه کار باقی ماند که در این معبر که برخی ۲۵ متر الی ۳۰ متر بود شناسایی شد و میادین مین آن تا فاصله نرسیده به خاکریز دشمن، خنثی شد و قرار بود که بعد طناب کشی بشود و بعد از شناسایی توسط دیدبانی مواظبت می شد که بعد تصمیم گرفته شد در خط رزمی پاسگاه زید عمل بکنند.]

در آن منطقه اطلاعات - عملیات نتوانست شناسایی درستی بکند و تیپ در ظرف ۲ روز به بالا انتقال پیدا کرد و با طرح مانور و اطلاعات لشکر، عملیات بالا انجام شد و اطلاعات - عملیات تیپ به علت همان جریانات و فقدان یک وحدت و انسجام در آن، بر روی شناسایی آنها هم حساب نشد و آنها هم شناسایی نکردند.

برای مرحله چهارم عملیات رمضان قرار شد مجدداً این تیپ به جای اول خود انتقال پیدا بکند... در محور پایین یک معبر دیگر در آب فرو رفت و یک معبر از معبرهای شناسایی شده قبلی مانده بود که آن معبر چک شد و قرار شد که تیپ عاشورا از همین معبر و معبر دیگری که تیپ امام رضا(ع) در سنگربندی عرایض باز می کند، عمل بکند. باز دو شب مانده به عملیات از اطلاعات - عملیات خواسته شد که معبر را چک کنند که آنها نرفتند، علت آن نیز همان مساله قبول نداشتن مسئول واحد به دلیل ضعف هایی که برای او بر می شمردند بود که از کار اطلاعات - عملیات تجربه نداشت. لذا بین مسئول و افراد واحد فاصله افتاده و سوء تفاهمات بالا گرفت تا آن حد که حتی نیروها معتقد بودند که برادر شجاعی فر را برادر مرتضی که با هم دوست بودند از طریق رابطه آورده اند و آن را تبعیض می دانستند. در آن شب که برادر مرتضی به آنها گفت، گفتند ما نمی رویم و عکس العمل نشان دادند و اظهار داشتند چرا به تذکرات ما ترتیب اثر ندادید. در آن شب از افراد اطلاعات - عملیات ۲ تن از آنها رفتند و بقیه ماندند و در مقابل برادر یاغچیان می گفتند: ما به اطلاعات - عملیات آشنا نیستیم، یک مسئول خوب می خواهیم که ما را راهنمایی کند.

بعد از عملیات آن تعداد نیرو را از تیپ اخراج کردند که البته در بین آنها یک نیرویی بود که از سپاه اخراج شده بود ما بقی از سپاه تبریز و غیره بودند و در چند عملیات بودند و تجربه کاری داشتند و به نظر افراد مخلصی می رسیدند اما با فرماندهی تیپ هماهنگ نبودند. برادر باکری معتقد بود که از اول آنها کیفیت خوبی نداشتند و ۲-۳ تای آنها اخراجی سپاه هستند و برای ما گردن کلفتی می کردند و باند بازی داشتند و کارشان را انجام نمی دادند و مسئولینی را که ما انتخاب کردیم، نمی خواستند.

بالاخره این نیروها از تیپ اخراج شدند و برادر باکری می گفت که: صلاح نیست اینها بمانند و با آنها نمی شود کار کرد. لذا گزارش اخراج آنها را به منطقه فرستادند و نیروها تهدید به دادستانی شدند و تعدادی از افرادی را که اخراج کردند، دلیل آوردند که از کارآمدی لازم برخوردار نیستند. بنابراین اطلاعات - عملیات بکلی تصفیه شد و به جای آنها از مراغه پاسدار آوردند که به این عده حدود ۲۰ نفر دیگر نیز

اضافه خواهد شد. این نیروها تجربه کار اطلاعات - عملیات را ندارند و تعدادی از آنها تا به حال به جبهه نیامده اند، بدین طریق کار اطلاعات عملیات قبلی که آن مشکلات را داشت مبدل به نیروهای تازه نفس و بی تجربه شد که بتواند در آینده واحد اطلاعات - عملیات با مسئولیت برادر شجاعی فر و نیروهای جدید با تیپ هماهنگ باشد.

در کل عملکرد این واحد با وجود داشتن این جریانات به این شکل بود که شناسایی در محدود عملیاتی تعیین شده قبلی انجام شد و دیدبانی هم در کارش موفق بود اما در منطقه بالا (زید) که تیپ برای مرحله دوم مامور شده بود اطلاعات - عملیات توفیق چندانی نداشت. لازم به توضیح است که بعد از عملیات مرحله چهارم(شلمچه) در روز بعد از آن اطلاعات عملیات در روز روشن توانستند تعدادی از اجساد شهدا (بیش از ۲۵ تن) را به پشت خط انتقال بدهند و این از جمله عملکرد مثبت و توام با شجاعت آن نیروها بود.

با وجود اختلاف بین نیروها و مسئول واحد که او را قبول نداشتند و تیپ هم نمی توانست با آن نیروها کار بکند، نهایت این شد که دفتر فعالیت اطلاعات عملیات تیپ با آن ترکیب بسته شود و نیروهای آن به منطقه بروند و تعدادی از آن نیروها می گفتند دوباره می آییم و به عنوان رزمنده ساده در عملیات شرکت می کنیم.

۵-۴) نقاط ضعف، قوت و پیشنهاد

ضعف: - ضعف مسئول واحد (برادر شجاعی فر) به علت اینکه یک نیروی مخابراتی بود و ضمناً برخورد صحیحی با نیروها نداشت و بیشتر از موضع بالا به شکل دستوری بود.
-ضعف فرماندهی(معاون)در حل صحیح جریانات این واحد.
- ضعف برخورد نیروها اطلاعات - عملیات با تیپ که یک حالت بدبینی بر آنها پیش آمده بود.
- ضعف در شکل گیری واحد، به علت اینکه فرد خاصی مسئولیت آن را به عهده نداشت و صرفاً به آن به عنوان اینکه این واحد باشد و کاری انجام دهد، نگاه می کردند و لذا برای آن تشکیلات دقیقی قائل نبودند.
- ضعف فعلی اطلاعات - عملیات به علت عدم تجربه نیروها در امر اطلاعات - عملیات.
-ضعف اطلاعات - عملیات در عدم شناسایی در محور زید به علت فرصت کم و وجود اختلاف در واحد.
-چند تن از نیروهای اطلاعات - عملیات در زید در عملیات شرکت کرده بود و آر.پی.جی به دست بودند.
- حل نشدن مسائل و اختلافات موجود دراین واحد از طرف تیپ، منطقه و رده بالاتر.

قوت: - شجاعت افراد واحد اطلاعات - عملیات در مورد جمع آوری شهدا در روز روشن؛ عملکرد این واحد در عملیات زید به عنوان راهنما و کمک به عملیات.
-به رغم نوپا بودن تیپ با این حال اطلاعات - عملیات آن در حد تیپ توانست خوب کار کند بجز در منطقه زید که تا حدی اجتناب ناپذیر بود.

پیشنهاد: - هماهنگ شدن تیپ با نیروهای اطلاعات . عملیات در حالت کنونی که نیروها جدید هستند و طبعاً با هم ناهماهنگ هستند و بالا بردن سطح کیفی نیروها و آموزش آنها.
-در حل اختلافات این واحد راه صحیحی ارائه و اتخاذ نشد هر چند فرماندهی تیپ نباید تضعیف شود و نیروهایی که با فرماندهی هماهنگ نیستند ولو آنکه مخلص باشند اما اختلاف سیلقه و یا اختلاف نظر دارند باید بروند... اما نه به گونه ای که همه اخراج شوند و به منطقه گزارش داده شود و یک سری برخورد تند که خدای ناکرده هوای نفس هم دخالت بکند. این عمل ضعیف به نظر می رسد.
-هیچ گاه صحیح نیست تمام نیروهای یک واحد که حاصل تجارب آن واحد است بروند و واحد دوباره از صفر شروع کند. نیروهای بی تجربه باید در کنار نیروهای باتجربه کسب تجربه کنند نه اینکه نیروهای بی تجربه با مسئول واحد کم تجربه اطلاعات عملیات تیپ که حساسیت آن بر کسی پوشیده نیست، ادامه و اداره کار اطلاعات عملیات را به عهده بگیرند.

پیشنهادات و نظرات کلی بر سازمان رزمی

تیپ عاشورا با آنکه اسماً یک تیپ با سابقه در عملیات ها بود اما به شکل منطقه ای، برای اولین بار در عملیات رمضان تجربه می شود؛ لذا از جهاتی دارای نقاط قوت و ضعف بود، اما در کل تیپ موفقی بود و با کادرسازی و کار بیشتر می تواند بهتر از اینها درخشش داشته باشد. در زیر ضعف های کلی این تیپ که باید در روند پیشرفت تیپ مورد توجه قرار گیرد، ذکر می شود:

۱- مسأله ریشه کن کردن احساسات ناسیونالیست منفی و منطقه گرایی

به علت قوی بودن زمینه های ناسیونالیستی در منطقه آذربایجان از یک طرف و مقابله بعضی از شهرها و استان ها نسبت به هم همچون اردبیل نسبت به تبریز و ارومیه نسبت به تبریز و ... این موضع گیری ها گاهی پیش آمده و می آید و باعث می شود که در قضاوت ها دچار اشتباه بشوند. فرماندهان منطقه و نیز تیپ آن منطقه باید دقیقاً این ریشه اختلافات فرهنگی را بشناسند و خود به مقابله با آن برخیزند و دسته بندی و جناح بندی نه در منطقه و نه در تیپ که مثلاً نیروها از یک شهر بخصوصی و یا از استان بخصوصی باشد که این ناخودآگاه تأثیر منفی بر روی نیروها دارد که به این مساله دقیقاً باید توجه شود.

۲- ضعف تشکیلات به طور عام در تیپ

این تیپ به علت نوپا بودن و اینکه اولین بار است که منطقه ۵ تیپی را تحویل می گیرد، ضعف تشیکلات در آن به چشم می خورد و عنصرهای ستادی تیپ از بابت تشکیلات ضعیف بودند و در توجیه نیروها هم اشکالاتی به چشم می خورد. مواردی که می توان به ضعف تشکیلاتی استناد کرد عبارتند از:

الف. ضعف ستاد تیپ: در انسجام و هماهنگی واحد به طوری که فرماندهی اتکاء به ستاد نداشت و خود را مجبور می دید که در امور پیگیر باشد.

ب. جوان بودن ستاد: عنصرهای ستادی نوعاً جوان و بی تجربه بودند و افراد محکم و مقاومی انتخاب نشده بود در بین آنها ناهماهنگی به چشم می خورد مثلاً پرسنلی، معاون، اعزام نیرو، آموزش و اطلاعات - عملیات و ... .

ج. عدم توجیه تیپ و ستاد بخصوص در امور در توجیه نیروها: ستاد و واحدهای ستادی در این زمینه ضعیف عمل کردند و حتی در برخوردها ضعیف بودند و برخوردها تند بود و از این لحاظ نیروها ناراحت بودند ضمن اینکه بعضی از برادران مسئول منطقه هم برخورد خوبی نداشتند.

۵) بهداری

بهداری با تیپ ۱ مشترک بود که قرار بود کلیه امکانات بهداری تیپ عاشورا را تدارکات ارتش تأمین کند که انجام شد و برای عملیات دو پزشک در اختیار تیپ گذاشته شد.

۱-۵) عملکرد

تیپ نوپا بود و بهداری کارش را از صفر شروع کرد، چون وسایل و امکانات تیپ عاشورای سابق به طور کامل تحویل این تیپ نگردید. لذا بهداری تیپ فعالیت و کار را از ابتدا شروع کرد و در هنگام پدافندی اتاق بهداری در اهواز کار جزئی رزمندگان را رسیدگی می کرد یا نیروهایی که بیمار می شدند و به پزشکان بیرون مراجعه می کردند، برای مرخصی و یا استراحت نیرو بهداری آن را گواهی می کرد که توسط آن نیروها بتوانند از اعزام نیرو برگه مرخصی و یا استراحت و تسویه حساب بگیرند.

در حالت آفندی در هر دو مرحله عملیات، بهداری شرکت داشت. ابتدا که قرار بود در محور شلمچه عملیات شود بهداری مقر خود را در نزدیکی خط ایجاد کرد و خود را آماده عملیات کرده بود که گفته شد بالا عمل کند. لذا بهداری وسایلش را بالا (زید) برد و چادری در آنجا زد که بعداً لشکر به بهداری تیپ عاشورا گفت برای عملیات بهداری، تیپ علی بن ابیطالب اقدام می کند و لازم نیست بهداری عاشورا لوازم و امکانات خود را بیاورد و تنها مسئول تدارکات و اعزام نیرو و مسئول اورژانس در بهداری علی بن ابیطالب مستقر باشد ولی در شب عملیات گفتند نیرو نیاز است چند تا از نیروها را اعزام کردند.

بعد از عملیات بالا، تیپ سریعاً به پایین (شلمچه) انتقال پیدا کرد، بهداری دوباره تمام وسایل و امکانات را به پایین منتقل کرد. برای عملیات پایین بهداری خوب کار کرد، طبق تشکیلات و تقسیماتی که در گزارش آمده لشکر نیز از لحاظ امکانات ماشین، راننده، پزشک یار و پزشک به تیپ کمک کرد و بهداری توانست تا ساعت ۱۰ صبح نسبتاً خوب فعالیت بکند و ساعت ۱۰ صبح بهداری از نیرو خالی شد و نیروها به خرمشهر یا اهواز منتقل شدند... . البته پزشکان و نیز اتوبوس هایی که برای حمل مجروحین، لشگر در اختیار تیپ گذاشته بود ۴۸ ساعته بود و ساعت ۱۰:۵۰ صبح، بهداری را ترک کردند.

۲-۵) ضعف، قوت و پیشنهاد

ضعف: - جابه جایی بهداری تیپ به بالا و پایین که طبعاً باعث ضعف تیپ می شود مثل سردرگمی و شدت گرفتن حجم کار.

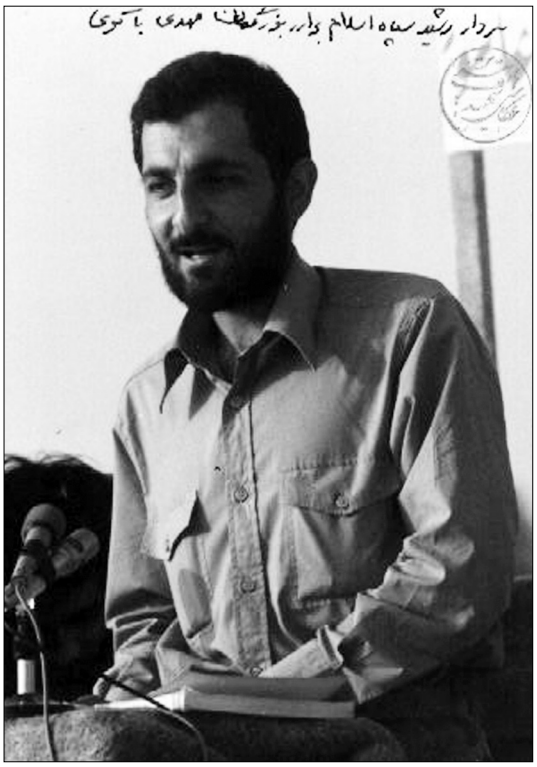

- جانیفتادن کار تشکیلاتی در بهداری بدین صورت که مشخص نبود چند پزشک یار و امدادگر دارند.
- عدم همکاری فعال تیپ ۱ ارتش، به طوری که از مکان و امکانات بهداری تیپ عاشورا استفاده می کرد.
- در روز بعد از عملیات از ساعت ۱۰ صبح به بعد هلی کوپتر و اتوبوس ها بهداری را ترک کردند و از پزشکان نیز به جز یکی بقیه رفته بودند و اگر پاتکی انجام می شد چه کسی باید جوابگو می بود (به طوری که گفته شد ماموریت آنها ۴۸ ساعته بود).
- ضعف تبلیغات و نماز جماعت و غیره در مقر بهداری.

قوت: در جمع بندی عملکرد واحد بهداری تیپ می توان گفت فعالیت آن در حد انتظار بود.

پیشنهاد: - در مورد وضعیت بهداری ادغامی ارتش و سپاه باید تقسیم امکانات و فعالیت ها بشود نه اینکه یک نیرو از تمام امکانات تیپ دیگر استفاده کند.
- وضعیت امکاناتی که لشگر در اختیار تیپ می گذارد و وضعیت مانور کردن نیرو امکانات دو تیپ طوری عمل شد که پیشگیری پاتک ها بشود.

گردان ها

استعداد گردان های رزمی تیپ عاشورا ۶ گردان پیاده بود که یک گردان آن به نام گردان شهید مدنی به شکل پیاده مکانیزه پیش بینی شده بود. دو گردان مستقل به نام های امام صادق(ع) و المهدی(ع) و ۳ گردان ادغامی با تیپ ۱ لشگر ۲۱ حمزه به نام های مصطفی خمینی، امام حسین(ع) و بعثت، گردان های پیاده تیپ عاشورا را تشکیل می دادند.

۱)گردان شهید مدنی

فرمانده گردان شهید مدنی برادر رهبری بود. ایشان به مدت شش ماه تجربه عملیاتی در جبهه دارد. از قبل، فرمانده گروهان و گردان و معاون ایشان برادر سبزی هستند. سازماندهی تیپ طوری بود که در گردان ها تعدیل و تقسیم بر اساس کارایی و استعدادها بود، لذا کارایی گردان ها دارای مراتبی بود؛ مثلاً گردان شهید مدنی بهترین گردان از لحاظ کادر و کارایی بود. نیروهایش در سه مرحله عملیات بیت المقدس شرکت داشتند. در فتح المبین هم این گردان سابقه داشت و تا سطح دسته از اعضای سپاه بود. ضمناً این گردان رزمی هم بود که با ۵ پی ام پی و ۷ الی ۸ دستگاه تانک آماده ماموریت بود. این گردان از عملیات خرمشهر باقی مانده بود و نیروهایش مشکلات مرخصی و تسویه حساب داشتند. تیپ گفته بود نمی توانم به کسی مرخصی بدهم و یا تسویه حساب بشود، لذا نیروهای این گردان از این لحاظ خسته بودند. از لحاظ کارایی، نیروهای مجربی بودند و تیپ هم روی این گردان حساب می کرد. این گردان قرار بود با ارتش همکاری کند اما در عملیات زید، این گردان مدتی به شکل مستقل عمل کرد و خط شکن هم بود که ضربات و لطمات زیادی خورد. فرمانده گردان شهید، و معاون او نیز زخمی شد و گردان بعد از عملیات متلاشی شد و نیروهای باقی مانده جهت بازسازی به اهواز باز گردانده شدند. آمار تلفات گردان مدنی بعد از عملیات، به شرح زیر است(البته آمار دقیقی نیست): تعداد مجروحین: ۹۵ نفر، مفقودین: ۵۵ نفر، شهدا ۱۲ نفر)

۲)گردان بعثت

فرمانده گردان بعثت برادر کریم فتحی بود. ایشان در عملیات های قبل هم شرکت داشته و تجربه عملیاتی دارد. در این گردان یک چهارم گروهان افراد با تجربه و

عملیات دیده حضور داشتند. فرماندهان دسته هم از کسانی بودند که حداقل یک بار به جبهه آمده بودند. نیروهای این گردان تقریباً جدیدند. این گردان در عملیات شلمچه به عنوان احتیاط بوده و حدود ۲۱ شهید و ۴۲ زخمی دارد. فرمانده گردان هم زخمی شد و این گردان هم برای بازسازی به ستاد تیپ در اهواز رفت.

۳) گردان مصطفی خمینی

فرمانده گردان مصطفی خمینی برادر کامران ملک پور بود که عضو نیروی هوایی و به عنوان مامور، بسیج و سربازی به جبهه آمده بود. ایشان در عملیات فتح المبین مسئول دسته بود، در بیت المقدس فرمانده گروهان بود و قبلاً هم خمپاره انداز بود. معاون ایشان هم به مدت ۱۴ در جبهه بود اما به سبب مدیریت بهتر برادر ملک پور ایشان فرمانده گردان بودند (این گردان یک گردان ادغامی با ارتش بود و در دو عملیات زید و شلمچه شرکت داشت. در زید بعد از شکستن خط توسط گردان مدنی، این گردان باید از خط عبور می کرد که عملاً در آن عملیات موفقیت چندانی نداشت، در آن عملیات طبق آمار ناقص اعزام نیرو، این نیرو ۳ شهید، ۱۲ زخمی و ۴ مفقود داد.

در عملیات شلمچه این گردان خط شکن بود (با آنکه یک گردان ادغامی بود) خط را شکست ولی نتوانست چندان جلو برود و برادر ملک پور در پشت بیسیم با کشف می گوید: به ما خیانت شده و آنها نیامدند (نیروهای ادغامی ارتش) و می گوید تمام ما از بین رفتیم... . در این عملیات، فرمانده گردان بالاخره شهید می شود و طبق آمار اولیه ۱۰ شهید، ۱۰۷ زخمی و ۵۶ مفقود می دهد و این گردان هم متلاشی می شود.

۴) گردان امام حسین(ع)

فرمانده گردان امام حسین برادر داود نوشاد است که قبلاً فرمانده گردان شهید قاضی بود. معاون ایشان برادر لزومی بود و این گردان به نسبت کارایی گردان ها بعد از گردان شهید مدنی و مصطفی خمینی، در رده سوم قرار دارد. نیروهایش اکثراً از نیروهای جدید بودند این گردان یک گردان ادغامی بود و در دو عملیات شرکت داشت.

در عملیات زید با شکستن خط توسط گردان شهید مدنی،قرار بود که گردان امام حسین(ع) از سمت راست حرکت کند و به اهداف خود برسد که ضمن عملیات نتوانست به اهداف اصلی خود برسد و طبق آمار اولیه ۳ شهید، ۲۱ مفقود و ۵۹ زخمی داد و عملیات دوم احتیاط بود. فرمانده گردان در حال حاضر تسویه حساب کرده که علت آن مساله ای بود که بین او و برادر باکری بود. ظاهراً ایشان در شب عملیات نیروها نبوده و در اطاق فرماندهی ارتش بود.

۵) گردان المهدی(ع)

فرمانده گردان المهدی برادر حسین خوئی است که نیروهای این گردان اغلب از نیروهای جدید هستند. برادر خوئی قبلاً فرمانده گروهان بود، این گردان یک گردان مستقل بود.

در عملیات زید قرار بود بعد از عبور گردان مصطفی خمینی و بعد از شکستن خط توسط گردان شهید مدنی، این گردان نیز عملیات را انجام دهد، که کلاً در آن عملیات نتوانست خوب وارد عمل شود که نیروها برگشتند و نیروهایش فوری پراکنده بود.

از عملیات شلمچه قرار بود این گردان بعد از شکستن خط توسط تیپ امام رضا(ع)، در سیل بند عرایض از خط عبور بکند و به سمت غرب در کنار نیروهای عاشورا در پشت کانال بزرگ آرایش بگیرد و آن منطقه را پاکسازی کند که چون تیپ امام رضا(ع) نتوانست خط را بشکند تا صبح در آن منطقه تجمع نیرو بود و با همکاری مسئول خط تیپ عاشورا و فرماندهان تیپ امام رضا(ع) بالاخره نیروها ماندند.

۶) گردان امام صادق(ع)

فرمانده گردان امام صادق(ع) برادر دولت آبادی بود. این گردان هم یک گردان جوانی بود و نیروهایش جدید بودند. [ماموریت این گردان در عملیات شلمچه این بود که بعد از شکستن خط توسط گردان مصطفی خمینی، گردان امام صادق(ع) از خط عبور کند و به سمت شمال در امتداد کانال آب که از طرف کرد سواری به سمت کانال های ماهی گیری پدافند بکند که تجمع زیاد دشمن و آتش شدید او مانع پیشروی و عبور صحیح این گردان م شد. این گردان حدود ۹۱ نفر زخمی و ۶۳ نفر مفقود داشت.]